

مقدمه

اعجاز قرآن یکی از بحث‌های نظری است که مانند هر بحث نظری دیگر نیازمند دلیل است. یکی از دلیل‌های عقلی قرآنی که علاوه بر از سوی خدا بودن قرآن، اعجاز این کتاب آسمانی را به کرسی می‌نشانند، آیات تحدی است. آیات یادشده به گونه‌های مختلف، عرب را به همانندآوری فراخوانده است تا پس از تلاش و ناکامی، فوق توان بشر بودن قرآن به اثبات برسد. آیات یادشده، زمانی به آوردن همانند قرآن، گاهی به ده سوره، گاه به آوردن یک سوره تحدی نموده است و در آیه‌ای به سخنی مانند قرآن تحدی کرده است. اختلاف تعابیر در مقام تحدی، این سؤال را پیش می‌آورد که سیر مراحل تحدی چگونه بوده است؟ راز تحدی‌های گوناگون چیست؟ آیا سیر از دشوارتر به آسان‌تر رعایت شده است؟ در این نوشتار پس از تبیین مفهوم تحدی، به بیان ترتیب نزول آیات تحدی و بررسی دیدگاه‌های دانشمندان در زمینه راز تحدی‌های گوناگون خواهیم پرداخت و در پایان نظریه برگزیده را توضیح می‌دهیم.

بحث در خصوص راز تحدی‌های گوناگون از دیرباز در کانون توجه قرآن‌پژوهان بوده است. آنان در ذیل آیات تحدی به این موضوع پرداخته و مطالبی هرچند کوتاه بازگفته‌اند. از صحابه، عبدالله بن عباس (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۷، ص ۳۲) و از مفسران و قرآن‌پژوهان مقاتل بن سلیمان (۱۴۲۳، ج ۲، ص ۲۷۴)، شیخ طبرسی (۱۳۷۹، ج ۵، ص ۲۲۲)، زمخشری (۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۸۳)، ابن عطیه (۱۴۲۲، ج ۳، ص ۱۵)، بغوی (۲۰۰۲، ج ۲، ص ۴۴۱)، فخر رازی (۱۴۲۰، ج ۱۷، ص ۳۲)، بیضاوی (۱۴۱۸، ج ۳، ص ۱۳۰) ابوحیان اندلسی (۱۴۲۰، ج ۶، ص ۱۳۰)، علاءالدین بغدادی (۱۴۱۵، ج ۲، ص ۴۷)، عاملی (۱۴۱۳، ج ۲، ص ۷۰) و بروسوی (۱۴۰۵، ج ۴، ص ۱۰۷) و بسیاری از مؤلفان کتاب‌های علوم قرآن در زمینه راز تحدی‌های گوناگون سخن گفته‌اند (زرکشی، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۴۰؛ سیوطی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۳۹؛ معرفت، ۱۴۱۱، ج ۴، ص ۲۲). برخی راز تنوع تحدی‌ها را در زمان و مخاطبان آنها دانسته‌اند (موسوی سبزواری، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۱۱۳) و گروهی از مفسران راز این تنوع را در تحدی از دشوارتر به آسان‌تر جست‌وجو کرده‌اند (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۷، ص ۳۰؛ رشیدرضا، ۱۹۷۳، ج ۱۲، ص ۴۴؛ طباطبایی، ۱۳۹۷، ج ۱۰، ص ۱۶۷؛ فاضل لنکرانی، ۱۳۹۶، ص ۳۵-۳۶). در سال‌های اخیر توجه ویژه‌ای به این بحث شده و در تفاسیر نوظهور و برخی مقالات به تبیین این مسئله پرداخته شده است (ابن عاشور، بی‌تا، ج ۱۱، ص ۲۱؛ سید قطب، ۱۴۱۲، ج ۴، ص ۱۸۶؛ مکارم شیرازی، ۱۳۶۶، ج ۹، ص ۴؛ جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۸، ج ۷، ص ۲۷۳).

راز تحدی‌های گوناگون قرآن از منظر استاد مصباح

اسماعیل سلطانی بیرامی*

چکیده

یکی از دلیل‌های عقلی از سوی خدا بودن قرآن، آیات تحدی است. در این مقاله از رهگذر شناخت ترتیب نزول آیات یادشده و بررسی دیدگاه‌ها در راز تحدی‌های گوناگون، به تبیین دیدگاه استاد مصباح پرداخته‌ایم.

در باب راز تحدی‌ها سه دیدگاه عمده وجود دارد: ۱. تحدی به نوع قرآن؛ ۲. اختلاف مخاطبان تحدی یا زمان آنها؛ ۳. تحدی از دشوارتر به آسان‌تر. درباره دیدگاه سوم - که متناسب با سیر طبیعی و منطقی دعوت به مبارزه‌طلبی - است تبیین‌های مختلفی وجود دارد که نوعاً به دلیل ناسازگاری با روایات ترتیب نزول یا با سیاق آیه و یا به دلیل ناتوانی در رد سخن مشرکان (افترا بودن تمام سوره‌های قرآن)، پذیرفتنی نیست.

استاد مصباح تحدی را نخست به کل قرآن سپس به یک سوره و در نهایت به ده سوره که در مجموع همانند یک سوره کامل قرآن باشد، می‌داند. این دیدگاه علاوه بر سازگاری با ترتیب نزول آیات تحدی و با ذیل آیات تحدی، توانایی رد ادعای مشرکان را دارد و نیز با توصیف «عشر سور» به «مثله» و به «مقتریات» متناسب است.

کلیدواژه‌ها: اعجاز قرآن، تحدی، ترتیب نزول آیات، راز تحدی، آیت‌الله مصباح یزدی.

مفهوم‌شناسی تحدی

تحدی در لغت از «حدی» گرفته شده است. «حدی بالمکان حداً» یعنی در آن مکان ماندگار گشت و جابه‌جا نشد (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۴، ص ۱۶۹). «تحدیت فلاناً» یعنی با او مسابقه گذاشتم و بر او پیروز شدم (فراهیدی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۳۵۸؛ طریحی، ۱۹۸۵، ج ۱، ص ۹۷؛ ابن‌منظور، همان) و به معنای درخواست رقابت که هدف از آن به عجز در آوردن طرف مقابل باشد نیز آمده است (فیومی، ۱۴۱۴، ص ۱۲۵؛ حلی، ۱۴۱۶، ص ۲۶۳). تحدی در اصطلاح به معنای فراخواندن منکران نبوت به آوردن همانندی برای معجزه است (تفتازانی، ۱۴۰۹، ج ۴-۵، ص ۱۲؛ جمعی از نویسندگان، ۱۴۱۵، ص ۶۴).

ترتیب نزول آیات تحدی

قرآن کریم در شش آیه مخالفان خویش را به تحدی دعوت کرده است. سوره‌هایی که آیات تحدی در آن واقع شده - به ترتیبی که در قرآن ثبت است - به این قرار است:

۱. تحدی به آوردن سوره از کسی همانند پیامبر ﷺ: «وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَيَّ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّنْ مِّثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ؛ و اگر درباره آنچه بر بنده خویش فرو فرستادیم در شک و گمانید سوره‌ای از کسی همانند او [محمد] بیاورید و بجز خدا گواهان [و یاران] خود را بخوانید اگر راستگوئید» (بقره: ۲۳).

۲. تحدی تلویحی به نبودن اختلاف در قرآن: «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ أَلْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا؛ آیا در قرآن نمی‌اندیشند؟ و اگر از نزد غیر خدا می‌بود در آن ناسازگاری و ناهمگونی بسیار می‌یافتند» (نساء: ۸۲).

۳. تحدی به سوره‌ای همانند سوره‌های قرآن: «أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّثْلِهِ وَادْعُوا مَنِ اسْتَبَطَعْتُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ؛ بلکه می‌گویند: آن را خود بافته است، بگو: اگر راستگوئید، پس سوره‌ای مانند آن بیاورید و هر که را جز خدا توانید [به یاری] بخوانید» (یونس: ۳۸).

۴. تحدی به ده سوره همانند سوره‌های قرآن: «أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِعَشْرِ سُورٍ مِّثْلِهِ مُفْتَرِيَاتٍ وَادْعُوا مَنِ اسْتَبَطَعْتُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ؛ بلکه می‌گویند که این [قرآن] را خود بافته است. بگو: اگر راستگوئید شما هم ده سوره برافته مانند این بیارید و هر که را جز خدا توانید [به یاری] بخوانید» (هود: ۱۳).

۵. تحدی به همانند قرآن: «قُلْ لِّئِنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا؛ بگو: اگر آدمیان و پریان فراهم آیند تا مانند این قرآن بیارند هرگز مانند آن نیارند هر چند برخی از آنان یار و همپشت برخی باشند» (اسراء: ۸۸).

۶. تحدی به سخنی همانند قرآن: «أَمْ يَقُولُونَ تَقَوَّلَهُ بَلْ لَّا يُؤْمِنُونَ فَلْيَأْتُوا بِحَدِيثٍ مِّثْلِهِ إِنْ كَانُوا صَادِقِينَ؛ یا آنکه می‌گویند: این [قرآن] را از خود برافته، [نه] بلکه ایمان نمی‌آورند پس اگر راستگوئید کلامی مانند آن بیاورند» (طور: ۳۳-۳۴).

دیدگاه مقبول در تاریخ جمع قرآن این است که سوره‌های قرآن به ترتیبی که بر پیامبر ﷺ نازل شده، در قرآن ثبت نشده است؛ از این رو پیش از بیان دیدگاه‌ها در راز تحدی‌های گوناگون و نقد و بررسی آنها، لازم است ترتیب نزول سوره‌هایی را که آیات تحدی در آن واقع شده مشخص کنیم؛ زیرا این بحث در ارزیابی دیدگاه‌ها مفید خواهد بود.

در زمینه تعیین ترتیب نزول سوره‌های قرآن دو روش معمول وجود داشته است و دارد: یکی قراین اجتهادی مانند موضوع، مخاطب و وجود «یا ایها الناس» که نشانه مکی بودن و «یا ایها الذین آمنوا» که نشان مدنی بودن هستند (سیوطی، بی‌تا، ج ۱، ص ۶۸-۷۹) و دیگری اتکا به روایات.

به دلیل کلیت نداشتن قراین اجتهادی در مورد همه سوره‌ها و آیات قرآن^۱ و نیز فقدان آن در برخی آیات قرآن نمی‌توان براساس آن، ترتیب نزول سوره‌ها و آیات مکی و مدنی را به‌طور دقیق شناسایی کرد. روایاتی که در برخی کتب تاریخی، روایی یا علوم قرآنی در باب ترتیب نزول سوره‌ها وارد شده‌اند، از نظر سند مختلف‌اند. برخی روایات بدون سند نقل شده‌اند (شهرستانی، ۱۴۰۷، ص ۱۲۸؛ زرکشی، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۲۴۹). روایاتی هم که با سند نقل شده، علاوه بر اینکه خبر واحدند، جز یک روایت که در مقدمه کتاب المبانی نقل شده (ابن‌عطیه، ۱۳۹۲، ص ۱۳-۱۵) هیچ‌یک به پیامبر ﷺ اتصال ندارد. روایت یادشده نیز به دلیل ناشناخته بودن مؤلف کتاب المبانی قابل اعتماد نیست. بقیه روایات از صحابه یا تابعان نقل شده و معلوم نیست اجتهاد راویان بوده یا آن را از کسی گرفته و نقل کرده‌اند.

از نظر متن نیز در بیان تعداد سوره‌ها اختلاف نظر وجود دارد. شیخ طبرسی ۱۱۰ سوره ذکر می‌کند که ۸۵ سوره مکی و ۲۵ سوره مدنی است (طبرسی، ۱۳۷۹، ج ۱۰، ص ۶۱۳). سیوطی به نقل از ابوالحسن صفار، بیست سوره را به اتفاق مدنی و دوازده سوره را اختلافی و بقیه سوره‌ها را به اتفاق مکی دانسته است (سیوطی، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۴). سوره فاتحه در روایت بیهقی و نیز ابن ندیم از قلم افتاده و تنها ۱۱۳ سوره ذکر شده است (همان، ص ۴۰؛ ابن ندیم، ۱۹۹۷، ص ۴۲). نیز در تقدم و تأخر سوره‌ها، اتفاق نظر ندارند.^۲ برخی روایات سوره‌هایی را مکی به حساب آورده و روایت دیگر آنها را مدنی قلمداد کرده‌اند.^۳ مشکل دیگر درباره ترتیب نزول، ترتیب نزول آیات یک سوره است؛ زیرا همه سوره‌های قرآن به صورت پیوسته نازل نمی‌گردید؛ گاه شماری از آیات یک سوره سپس آیتی از سوره دیگر نازل می‌شد

و آن‌گاه دنباله آیات سوره قبلی فرود می‌آید و به دستور پیامبر ﷺ در ادامه سوره پیشین قرار می‌گرفت. بنابراین در صورتی می‌توان به روایات ترتیب نزول سوره‌های قرآن اعتماد کرد که بدانیم همه سوره به صورت یکجا نازل شده و در آن آیات استثنا وجود ندارد.

روایات ترتیب نزول سور قرآن از نظر سند و متن از اعتبار چندانی برخوردار نیستند، ولی به دلیل کثرت این روایات و وجود موارد مشترک فراوان میان آنها و اعتماد قرآن‌پژوهان^۴ بر آنها، اطمینان نسبی از آن حاصل می‌شود و حداقل اینکه بر موارد مشترک میان آنها می‌توان تأکید کرد.

از بررسی پانزده روایت از روایات ترتیب نزول و دیدگاه قرآن‌پژوهان، معلوم می‌شود، چهار سوره از سور دارای آیات تحدی در مکه نازل شده و سوره بقره و نساء از سور اوایل مدنی محسوب می‌شود. درباره ترتیب نزول آیات مکی از این مجموعه، چهارده روایت اتفاق نظر دارند که ابتدا سوره اسراء (تحدی به قرآن)، سپس سوره یونس (تحدی به یک سوره) و پس از آن سوره هود (تحدی به ده سوره) نازل شده است. تنها در روایتی که در الفهرست وارد شده است ترتیب میان سوره هود و یونس جابه‌جا نقل شده است (ابن‌ندیم، ۱۹۹۷م، ص ۴۲).

استاد مصباح نیز با پذیرش ترتیب یادشده می‌نویسد: «دیدگاه مشهور بین مفسران و دانشمندان علوم قرآن در خصوص تحدی به یک سوره و ده سوره، آن است که سوره یونس که مشتمل بر آیات تحدی به یک سوره است، قبل از سوره هود که آیات تحدی به ده سوره را دربر دارد، نازل شده است» (مصباح یزدی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۱۶۸).

نیز پس از بررسی روایات ترتیب نزول آیات معلوم شد که هیچ‌یک از آیات تحدی از آیات استثنا محسوب نمی‌شوند. بنابراین می‌توان گفت که ابتدا به قرآن، سپس به یک سوره و در پایان به ده سوره تحدی شده است.

با توجه به سیر مراحل تحدی، این سؤال پدید می‌آید که راز تحدی‌های گوناگون چیست؟ آیا در قرآن تحدی از دشوارتر به آسان‌تر که سیر طبیعی است رعایت شده است؟

دیدگاه دانشمندان در راز تحدی‌های گوناگون

دیدگاه اول: تحدی به نوع قرآن نه مقدار آن

برخی قرآن‌پژوهان، تحدی در آیات را تحدی به نوع قرآن و نه مقدار آن دانسته‌اند؛ چراکه غرض از تحدی آشکار ساختن اعجاز قرآن است و از این جهت فرقی میان تحدی به کم و زیاد نیست. «اگر گفته شود چرا زمانی تحدی به ده سوره و گاه به یک سوره و گاهی به سخنی مانند قرآن شده است؟

پاسخ این است که تحدی به چیزی صورت گرفته که در آن اعجاز قرآن نسبت به کلام منظوم عرب آشکار شود. از این نظر جایز است گاه به کم و گاه به بیشتر تحدی شود» (طبرسی، ۱۳۷۹، ج ۵، ص ۲۲۲؛ مجلسی، ۱۳۷۶، ج ۹، ص ۱۰۵). «تحدی به نوع قرآن است نه به مقدار آن و ناتوانی بشر نیز مربوط به نوع قرآن است نه مقدار آن و از این نظر تفاوتی میان تحدی به کل قرآن، بخشی از آن و یک سوره نیست» (سید قطب، ۱۴۱۲، ج ۴، ص ۱۸۶۲).

نقد و بررسی

گرچه این بیان می‌تواند اصل تحدی به کم و زیاد را توجیه کند، با توجه به حکیم بودن خداوند پرسش از راز تحدی‌های گوناگون، از جمله تحدی به ده سوره پس از تحدی به یک سوره، به قوت خود باقی است و با این سخن، پاسخ نیافته است؛ زیرا سیر طبیعی و منطقی آن است که دعوت به مبارزه طلبی از دشوارتر به آسان‌تر باشد. چنان‌که استاد مصباح می‌نویسد: «در سیر تحدی از سخت‌تر به آسان‌تر، اعجاز قرآن بهتر به کرسی می‌نشیند» (همان، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۱۶۷).

دیدگاه دوم: اختلاف مخاطبان یا زمان تحدی‌ها

برخی دیگر از محققان با فرق گذاشتن میان مخاطبان هر یک از آیات تحدی، یا اختلاف زمان هر یک از تحدی‌ها به بیان راز تحدی‌های گوناگون پرداخته‌اند؛ با این بیان که در عصر نزول، برخی افراد ادعا می‌کردند که می‌توانند همانند قرآن بیاورند، از این‌رو به آوردن مانند قرآن به مبارزه دعوت شدند و کسانی که ادعا داشتند توان آوردن ده سوره را دارند به ده سوره تحدی شدند و هکذا یک سوره. یا اینکه در اوایل بعثت، وقتی مشرکان مکه ادعا کردند که می‌توانند همانند قرآن را بیاورند، به کل قرآن مورد تحدی واقع شدند، هنگامی که ناتوانی آنان اثبات شد، ادعا نمودند که توان آوردن ده سوره همانند سور قرآن را دارند و پس از اثبات عجز نسبت به ده سوره، گفتند ما می‌توانیم همانند یک سوره را بیاوریم از این‌رو به یک سوره مورد تحدی واقع شدند (موسوی سبزواری، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۱۱۳). بنابراین «نزول آیات تحدی، به اقتضای حالات مخاطبان و نوع سخنی بود که آنان در آن حالت بیان می‌داشتند» (سید قطب، ۱۴۱۲، ج ۴، ص ۱۸۶۲).

نقد و بررسی

این بیان از دو بخش تشکیل شده است: بخش اول، اختلاف مخاطبان تحدی‌ها است که اثبات نشده است؛ زیرا مخاطب آیات تحدی (اسراء: ۷۸ یونس: ۳۸؛ هود: ۱۳) مشرکان و کفار معاصر رسول خدا ﷺ البته با واسطه آن حضرت بودند.

اما بخش دوم (اختلاف زمان تحدی‌ها با حفظ وحدت مخاطبان) چنان‌که در ادامه مقاله خواهد آمد، بر دو پیش‌فرض باطل استوار است: اول آنکه مقصود از تحدی به «قرآن» (اسراء: ۸۸) تحدی به کل قرآن باشد و این مطلب اثبات نشده است؛ دوم آنکه نزول و ابلاغ آیات تحدی سه‌گانه به ترتیبی باشد که مدعی می‌گوید. این سخن نیز با ترتیب نزول میان آیات تحدی که پیش از این توضیح دادیم ناسازگار است (مصباح یزدی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۱۶۸).

دیدگاه سوم: تحدی از دشوارتر به آسان‌تر

این دیدگاه می‌کوشد تا یک نوع ترتیب منطقی میان آیات تحدی به اثبات برساند تا براساس آن، دعوت به مبارزه‌طلبی از دشوارتر به آسان‌تر را که سیر منطقی و طبیعی است به اثبات برساند. از این دیدگاه سه تبیین وجود دارد. چنان‌که استاد مصباح می‌نویسد: «برخی، تقدم نزول سوره یونس بر هود (دیدگاه مشهور) را پذیرفته و مدعی شده‌اند که استثنائاً آیات مشتمل بر تحدی در این دو سوره، برخلاف ترتیب نزول این دو سوره نازل شده یا پیامبر به دستور خدا آنها را در مقام ابلاغ، برخلاف ترتیب نزول، تلاوت کرده است. بعضی، تحدی به یک سوره را مطلق و تحدی به ده سوره را ویژه ده سوره خاص و گروهی، وجه اعجاز در این دو نوع تحدی را متفاوت دانسته‌اند» (همان). در ادامه به بیان و نقد و بررسی تبیین‌های یادشده می‌پردازیم.

تبیین اول دیدگاه سوم: نزول تحدی به ده سوره پیش از تحدی به یک سوره

آلوسی معتقد است که بیشتر قرآن‌پژوهان این دیدگاه را پذیرفته‌اند (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۷، ص ۳۰). طبق این دیدگاه، قرآن در آغاز از بشر می‌خواهد تا همانند کل قرآن را بیاورد. پس از آنکه عجز از هم‌آوردی کل قرآن اثبات شد، تخفیف می‌دهد و از بشر می‌خواهد همانند ده سوره قرآن را بیاورد. در مرحله سوم وقتی عجز بشر از آوردن ده سوره نیز اثبات شد، به یک سوره همانند سوره‌های قرآن تحدی می‌کند. به این ترتیب قرآن در سه مرحله و از شدیدتر به آسان‌تر تحدی نموده است (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳، ج ۲، ص ۲۷۴؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۸۳؛ شیخ طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۳۸؛ بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۳، ص ۱۳۰؛ ابوحیان اندلسی، ۱۴۲۰، ج ۶، ص ۱۳۰؛ عاملی، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۷۰؛ بروسوی، ۱۴۰۵، ج ۴، ص ۱۰۷).
فخر رازی ذیل آیه ۱۳ سوره هود می‌نویسد: تحدی به ده سوره طبق سیر طبیعی باید پیش از تحدی به یک سوره باشد تا تحدی از دشوارتر به آسان‌تر صدق کند. تحدی به یک سوره در دو سوره بقره و یونس وارد شده است. تقدم سوره هود بر سوره بقره روشن است؛ زیرا سوره هود مکی و بقره مدنی است. دلیل یادشده (قرینه بودن مقتضای نظم و ترتیب طبیعی) اقتضا می‌کند که سوره یونس نیز پس از

سوره هود نازل شده باشد تا تحدی از دشوارتر به آسان‌تر صدق کند (همان، ۱۴۲۰، ج ۱۷، ص ۳۲۵). آلوسی در تعلیل این دیدگاه می‌نویسد: زیرا تحدی به ده سوره برای کسی که از همانندآوری یک سوره ناتوان شده است، معنا ندارد (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۷، ص ۳۰).

نقد‌های استاد مصباح بر این دیدگاه

این پاسخ، بر دو پیش‌فرض استوار است: اول آنکه مقصود از تحدی به «قرآن» (اسراء: ۸۸) تحدی به کل قرآن باشد و دوم آنکه نزول و ابلاغ آیات تحدی سه‌گانه به ترتیبی باشد که در پاسخ مطرح شده است.

پیش‌فرض نخست پذیرفته نیست؛ زیرا اولاً واژه قرآن به تدریج جنبه علمیت یافته و معلوم نیست در زمان نزول آیه اسراء، واژه «قرآن» علم بوده باشد؛ چنان‌که در آیات قرآن، این واژه در معنای لغوی، مصدر (خواندن) (اسراء: ۷۸؛ یونس: ۱۵ و ۶۱) یا اسم مصدر (خواندنی) (زخرف: ۳؛ فصلت: ۴۴؛ یوسف: ۲) به کار رفته است. بنابراین نمی‌تواند به حجم و مقدار خاصی اشاره نماید، بلکه به گفتاری از جنس قرآن تحدی کرده است (مصباح یزدی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۱۶۸). ثانیاً به فرض اینکه آیه درصدد بیان مقدار باشد، تنها پنجاه سوره از قرآن را دربر می‌گیرد؛ زیرا سوره اسراء، سوره پنجاهم قرآن است و تحدی به سوره و آیاتی که تا آن زمان نازل نشده بود معنا ندارد؛ چنان‌که استاد می‌نویسد: «هنگام نزول این آیه، هنوز بخش مهمی از آیات قرآن نازل نشده بود و معنا ندارد که از مخالفان خواسته شود همانند آیاتی که از صورت و محتوای آن اطلاعی ندارند، بیاورند» (همان، ص ۱۹۵).

«مقدمه دوم نیز ثابت نیست: زیرا مشهور میان مفسران آن است که سوره یونس، قبل از سوره هود نازل شده است» (همان، ص ۱۶۸).

علاوه بر نقد‌های یادشده، این سخن فخر رازی که مقتضای نظم و ترتیب طبیعی را قرینه بر نزول تحدی به ده سوره، پیش از تحدی به یک سوره دانسته است، بی‌دلیل و صرف استحسان است؛ زیرا چنان‌که پیش از این گفتیم، تعیین زمان نزول سوره و آیات امری تاریخی است و براساس گزاره‌های تاریخی و روایی، نزول سوره یونس مقدم بر سوره هود است. البته مقتضای نظم و ترتیب طبیعی در صورتی می‌تواند مجوز دست برداشتن از ترتیب تاریخی و نظر مشهور میان مفسران باشد که هیچ راهی برای توجیه سیر طبیعی با حفظ ترتیب تاریخی میان سوره جز به تغییر ترتیب مزبور نداشته باشیم و در ادامه روشن می‌شود که برخی از قرآن‌پژوهان با حفظ ترتیب نزول یادشده، سیر طبیعی دشوارتر به آسان‌تر را تبیین و توجیه کرده‌اند.

تبیین دوم دیدگاه سوم: تأخر نزول آیه ۳۸ یونس از سوره هود

طبق این دیدگاه که آلوسی، رشیدرضا و علامه طباطبایی در تفسیرشان از برخی مفسران نقل کرده‌اند، تمام سوره یونس قبل از سوره هود نازل شده، ولی استثنائاً آیه تحدی سوره یونس، پس از سوره هود نازل شده است یا پیامبر ﷺ به دستور خدا موظف بوده آیه تحدی سوره یونس را بعد از آیه تحدی سوره هود برای مردم تلاوت کند تا تحدی از دشوارتر به آسان‌تر تأمین شود (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۷، ص ۳۱؛ رشیدرضا، ۱۹۷۳م، ج ۱۲، ص ۳۳؛ طباطبایی، ۱۳۹۷، ج ۱۰، ص ۱۶۴).

سید قطب می‌نویسد: «درحقیقت ترتیب نزول آیات لازم نیست تابع ترتیب نزول سور باشد. گاهی آیه‌ای نازل می‌شد و به سوره‌ای که پیش یا پس از آن نازل شده بود ملحق می‌شد» (سید قطب، ۱۴۱۲، ج ۴، ص ۱۸۶۲).

نقد و بررسی

این جواب در صورتی می‌تواند تحدی از دشوارتر به آسان‌تر را تصحیح کند که روایت صحیحی در تأخیر نزول آیه ۳۸ سوره یونس از سوره هود وجود داشته باشد و به اصطلاح جزء آیات استثنا باشد؛ درحالی‌که چنین نیست، زیرا با تبعی که انجام شد آیه یادشده جزء آیات استثنا شمرده نشده است. بنابراین با صرف ادعا و بدون کمک گرفتن از نقل نمی‌توان چنین مطلبی را اثبات کرد و به اصطلاح امکان حمل بر چنین محملی دلیل بر حمل نمی‌تواند باشد (طباطبایی، ۱۳۹۷، ج ۱۰، ص ۱۶۴).

تبیین سوم دیدگاه سوم: نزول تحدی به یک سوره پیش از تحدی به ده سوره

چنان‌که پیش از این گذشت، براساس روایات ترتیب نزول، نخست تحدی به قرآن در سوره اسراء سپس تحدی به یک سوره در سوره یونس و پس از آن تحدی به ده سوره در سوره هود نازل شده است. در این قسمت به طرح و بررسی دیدگاه‌هایی که با پذیرش سیر نزول یادشده، راز تنوع تحدی‌ها را تبیین نموده‌اند می‌پردازیم.

الف. ابن عباس

فخر رازی روایتی از ابن عباس نقل می‌کند مبنی بر اینکه مقصود از ده سوره که آیه هود بدان تحدی کرده، ده سوره خاص است که عبارت‌اند از: سوره‌های بقره، آل عمران، نساء، مائده، انعام، اعراف، انفال، توبه، یونس و سوره هود (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۷، ص ۳۲۵). بنابراین سخن تحدی به یک سوره شامل هر سوره‌ای از قرآن می‌شود، ولی تحدی به ده سوره، تنها شامل سوره‌های یادشده است.

نقد استاد مصباح بر این دیدگاه

استاد در رد این سخن می‌نویسد: «این قول، خلاف ظاهر آیه است که واژه سوره در آن بدون هرگونه قیدی ذکر شده و هر ده سوره‌ای را شامل می‌شود، مگر آنکه قبل از سوره هود، فقط همان نه سوره نازل شده باشد. هیچ قرینه‌حالی یا مقالی دیگری نیز بر اراده خلاف ظاهر و تخصیص اطلاق آیه به سوره‌های ده‌گانه یادشده وجود ندارد. به‌علاوه، کسانی که به پیامبر ﷺ نسبت افترا می‌دادند، این نسبت را در مورد سُور معینی قائل نبودند و همه سوره‌های قرآن برایشان یکسان بود؛ در این صورت، تحدی به سُور خاص، آن هم سُور بزرگ قرآن، بی‌وجه خواهد بود و معنا ندارد به کسی که می‌گوید سوره «کوثر» افترا است و از سوی خدا نیست، گفته شود ده سوره مانند سور اول قرآن موجود بیاور» (مصباح یزدی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۱۷۶).

البته ناگفته نماند که خود فخر رازی نیز این روایت را مردود می‌شمارد؛ به این دلیل که سوره هود مکی است و برخی سوره‌هایی که در این مجموعه قرار دارد مدنی هستند و در زمان نزول سوره هود، هنوز نازل نشده بودند. بنابراین، تحدی به سوره‌هایی که هنوز نازل نشده بودند بی‌معناست (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۷، ص ۳۲۵).

ب. رشیدرضا

رشیدرضا معتقد است آیه ۸۸ اسراء در مقام تحدی نیست، بلکه در مقام بیان عجز انسان و جن از آوردن همانند قرآن است. پس از آن، سوره یونس نازل شده و به یک سوره تحدی نموده و سپس تحدی به ده سوره در سوره هود نازل شده است و پس از آن، سوره طور نازل شده و در آن به همه قرآن تحدی شده و در پایان، آیه بقره نازل شده است (رشیدرضا، ۱۹۷۳م، ج ۱۲، ص ۴۴).

به گفته وی تحدی به ده سوره، تحدی به سوره‌هایی است که در آن به قصص انبیا یا اقوامشان پرداخته شده است؛ زیرا تحدی به یک سوره، تحدی به تمام مزایای قرآن - اعم از نظم و اسلوب، بلاغت، علوم، هدایت‌گری و تسلط الهی قرآن بر ارواح و عقول - است. وقتی مشرکان از آوردن همانند یک سوره عاجز شدند، شبهه‌ای که باقی ماند در قصص قرآن بود که قرآن ادعا داشت این قصص از اخبار غیبی است. مشرکان گمان کردند این قصه‌ها ساخته و پرداخته شخص پیامبر است؛ از این رو به ده سوره همانند سوره‌های قصص انبیا تحدی نمود (همان).

گرچه واژه «سوره» نکره است و طبق نظر بیشتر مفسران شامل سور کوتاه و بلند می‌شود، ولی به نظر وی، نکره بودن سوره برای تعظیم یا تنويع است و بر اطلاق آن دلالتی ندارد؛ زیرا آیه تحدی به ده

سوره، با «ام یقولون افتراه» آغاز شده و افترا مربوط به اخبار است نه انشا، و مقصود از آن سوره‌هایی است که در آن به قصص انبیاء، پرداخته شده است (همان، ج ۱۱، ص ۳۶۹) و آن سوره‌ها عبارت‌اند از: اعراف، یونس، مریم، طه، شعرا، نمل، قصص، قمر، ص و هود (همان، ج ۱۲، ص ۳۱).

گرچه تحدی به یک سوره و ده سوره، به دلیل صدر آن دو- که با «ام یقولون افتراه» آغاز شده و افترا مربوط به اخبار است نه انشا - تحدی به خبر غیبی و سوره‌هایی است که قصص و اخبار گذشتگان در آن وارد شده است، ولی تحدی به ده سوره پس از تحدی به یک سوره، تحدی از سخت‌تر به آسان‌تر است؛ زیرا تحدی به یک سوره در آیه ۳۸ یونس تحدی به تمام مزایای قرآن اعم از نظم و اسلوب، بلاغت، علوم، هدایت‌گری و غیر آن است، ولی تحدی به ده سوره، به دلیل وجود قید «مفتریات» در آن، تحدی به آوردن خبر واحد با اسلوب متعدد اما مساوی در بلاغت است، هرچند از جهت موضوع و محتوا ساختگی و باطل باشند. با این بیان که برخی شبهه می‌کردند که جمله و سوره‌ای را که مشتمل بر قصه است می‌توان در لغت و لسان با عبارات مختلفی بیان کرد، به‌گونه‌ای که معنا را برساند ناچاراً یکی از عبارات دارای حسن بیان و خالی از هر عیب لفظی و معنوی خواهد بود. قرآن در جواب آنان این آیه را نازل فرمود و ده سوره افترا بی‌خواست تا عجز آنان را بیشتر نشان دهد (همان، ج ۱، ص ۱۹۴).

نقد‌های استاد مصباح بر این دیدگاه

این دیدگاه از جهات مختلف خدشه‌پذیر است؛ زیرا:

اولاً این سخن وی که آیه ۳۴ سوره طور، تحدی به همه قرآن است، صحیح نیست؛ زیرا آیه یادشده در مقام بیان مقدار نیست و حداقل در دلالت آن بر تحدی به همه قرآن تردید وجود دارد. چنان‌که استاد می‌نویسد: قرآن مجید، واژه حدیث را در معنای لغویش به کار برده است و این واژه ناظر به حجم خاصی از قرآن نیست، بلکه به معنای سخن و گفتار است و مقصود از عبارت «حدیث مثله» آن است که چنین گفتاری قابل همانندآوری نیست (مصباح یزدی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۱۶۸ و ۱۹۵).

ثانیاً این سخن وی که مقصود از ده سوره در آیه سوره هود، ده سوره قصصی قرآن است به دلیل اینکه افترا در اخبار مطرح است نه انشائیات، پذیرفتنی نیست؛ زیرا قرآن در فضایی نازل شده که مشرکان همه قرآن را افترا می‌دانستند و فرقی میان اخبار و انشائیات قرآن نمی‌گذاشتند و لازم بود جواب قرآن نیز به‌گونه‌ای باشد که شبهه آنان را از اساس و نسبت به همه سوره‌های قرآنی باطل کند؛ چنان‌که استاد مصباح در این زمینه می‌نویسد: «اولاً اختصاص افترا به آیات دال بر اخبار و انباء و جهی

ندارد. گویا رشیدرضا چنین تصور کرده که افترا در اخبار می‌تواند مطرح باشد؛ اما در انشائیات افترا صادق نیست و مشرکان، آیات اخباری قرآن را مفتری می‌دانستند؛ در صورتی که مشرکان قرآن «بما هو قرآن» را مفتری می‌دانستند؛ اعم از اخبار و انشا و در افترا بودن آن به محتوای آیات که خبر یا انشا است و مطابق با واقع یا غیرمطابق با واقع است، نظری نداشتند؛ بلکه به لحاظ اینکه انتساب به خدا داده می‌شود آن را مفتری می‌دانستند؛ یعنی به پیامبر ﷺ و قرآن در بعد انتساب به خدا افترا قائل می‌شدند و انشائیات، از این دید خبر می‌شوند؛ پس صفت مفتریات که اساس دیدگاه اوست، اختصاص به ده سوره معین ندارد. ثانیاً نسبت افترا به پیامبر از صدر آیه استفاده می‌شود و در سوره‌های دیگر هم مطرح است و آن با آنچه در مفتریات مد نظر است، تفاوت دارد. افترای صدر آیه، افترای مورد قبول مشرکان است و افترا در مفتریات، افترای مورد قبول مشرکان و پیامبر ﷺ است. بنابراین، وصف مفتریات دلالت ندارد که ده سوره معینی وجود داشته است که مشرکان نسبت افترای آنها را به پیامبر می‌داده‌اند تا درصدد تعیین آن ده سوره برآییم؛ بلکه این وصف، دلالت دارد که ده سوره درخواستی، سُوری است که پیامبر و مخالفان بر مفتری بودن آن اتفاق نظر دارند» (همان، ص ۱۷۹).

نقد‌های دیگر

۱. اینکه وی آیه ۸۸ اسراء را از آیات تحدی به حساب نیاورده است درست نیست؛ چراکه به اعتراف خود وی این آیه در مقام بیان عجز انسان و جن از آوردن همانند قرآن است و با توضیحی که در مفهوم‌شناسی تحدی بیان کردیم روشن شد که در مقام بیان عجز بودن، به معنای تحدی است. علاوه بر این، سیاق آیه و شأن نزول آن (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۲۰) در مقام تحدی بودن آیه را تأیید می‌کند.

۲. در میان سوره‌هایی که پیش از سوره هود نازل شده است، سوره‌هایی که به قصص و اخبار انبیا و اقوامشان پرداخته است، منحصر به ده سوره یادشده نیست. برای مثال، در آیات ۱۰۱ تا ۱۰۴ سوره اسراء به داستان حضرت موسی ﷺ و در آیات ۱۳ تا ۳۰ سوره یس به داستان رسولان شهر انطاکیه و در آیات ۳۵ تا ۴۰ سوره فرقان به داستان حضرت موسی، نوح، عاد و ثمود اشاره دارد.

۳. از ظاهر آیه شریفه برمی‌آید که کفار درباره همه قرآن به رسول خدا ﷺ نسبت افترا می‌دادند و میان سوره‌های طولانی، کوتاه، اخبار و انشای آن فرقی نمی‌گذاشتند و آن حضرت نیز قرآن را با تمام اخبار و انشائیات آن سخن خداوند می‌دانست؛ از این رو لازم بود در رد ادعای کفار جوابی به آنان داده شود که شبهه را در مورد کل قرآن ریشه‌کن سازد و معجزه بودن کل قرآن و ناتوانی آنان نسبت

به همه قرآن ثابت شود. بنابراین، نکره بودن سوره دلیل بر اطلاق آن است و فرقی میان سوره کوتاه و طولانی نیست و حمل نکره بودن سوره بر تنويع یا تعظیم با سیاق آیه تناسب ندارد.

۴. ضمیر «مثله» در «فَأَتُوا بِعَشْرِ سُوْرٍ مِثْلِهِ» اگر به قرآن برگردد - چنان‌که رشیدرضا بدان معترف است - شامل هر ده سوره از قرآن می‌شود و فرقی میان سوره طولانی، کوتاه، سوره قصصی و غیر آن نیست و اگر به سوره هود برگردد، سخن ناپسندی است؛ زیرا معنا ندارد مشرکان بگویند تمام سوره‌های قرآن ساختگی است و خداوند بفرماید ده سوره مانند سوره هود بیاورید (فاضل لنکرانی، ۱۳۹۶، ص ۳۵-۳۶).

ج. آلوسی

آلوسی معتقد است تحدی به ده سوره پس از تحدی به یک است، لکن تحدی به یک سوره تحدی در بلاغت، اخبار غیبی، احکام و غیره است، ولی تحدی به ده سوره، فقط تحدی در بلاغت و حسن نظم است گرچه در چیزهای دیگر - از جمله در معنا - مانند قرآن نباشد. او دلیل این دیدگاه را وصف «مفتریات» در آیه شریفه قرار داده است؛ با این بیان که فصاحت و وصف الفاظ قرآن است، بنابراین الفاظ می‌تواند در بالاترین درجه فصاحت باشد و در عین حال کاذب و افترا نیز باشد، از این‌رو اعجاز در فصاحت با کذب قابل جمع است ولی اعجاز در معنا، بلاغت، اخبار غیبی، احکام و غیر آن - که در تحدی به یک سوره مقصود است - نمی‌تواند با کذب و افترا قابل جمع باشد، زیرا معنا ندارد کلامی از نظر معنا در اوج باشد ولی سخن دروغ و ناحقی باشد. بنابراین، معنای تحدی به ده سوره این است که ده سوره همانند قرآن در فصاحت و بلاغت بیاورید گرچه در معنا مفترا باشد (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۷، ص ۳۰).

نقد استاد مصباح بر این دیدگاه

اگر آیه سوره هود، تنها به نظم و اسلوب قرآن تحدی نموده باشد، با سیاق آیه ناسازگار خواهد بود؛ زیرا در آیه یادشده پس از تحدی به ده سوره، و اثبات ناتوانی مشرکان و یاوران آنان در همانندآوری، دلیل این ناتوانی را نشئت گرفتن قرآن از علم خدا دانسته و فرموده است: «فَالَيْمَ يَسْتَجِيبُوا لَكُمْ فَمَا غَلَمُوا أَنَّمَا أُنزِلَ بِعِلْمِ اللَّهِ؛ پس اگر [یاورانتان] شما را اجابت نکردند، بدانید که جز این نیست که [این قرآن] از دانش خدا فروآمده است» (هود: ۱۴). علم الهی بیشتر با محتوا تناسب دارد تا با الفاظ و اسلوب بدون محتوا (مصباح یزدی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۱۸۴).

قید «مفتریات» نمی‌تواند دلیل تقیید ده سوره مورد تحدی به فصاحت در الفاظ باشد؛ زیرا تصور اینکه افترا با اعجاز در معنا جمع نمی‌شود ولی با اعجاز در فصاحت جمع می‌شود پذیرفته نیست، چون

مشرکان قرآن را به لحاظ اینکه به خدا منتسب باشد افترا می‌دانستند و فرقی میان معانی و الفاظ آن نمی‌گذاشتند، لذا خداوند به آنان می‌گوید شما که قرآن را ساخته و پرداخته پیامبر ﷺ می‌دانید اگر راست می‌گویید، شما نیز ده سوره همانند آن بیاورید (همان، ص ۱۷۹).

نقدهای دیگر

۱. آیه شریفه تنها به بلاغت و فصاحت تحدی نکرده است، بلکه سیاق این آیه و سایر آیات تحدی شاهد است بر اینکه به تمام کمالات قرآن تحدی شده است و خداوند متعال قرآن را به اوصاف جمیلی مانند نور، رحمت، هدایت و حکمت - که مدخلیت در تحدی دارد - وصف کرده است.

بنابراین، حمل آن، تنها بر فصاحت و بلاغت بدون دلیل است (طباطبایی، ۱۳۹۷، ج ۱۰، ص ۶۵).
۲. کسانی که قرآن را افترا می‌دانستند، آن را از تمام جهات ساخته و پرداخته پیامبر می‌شمردند و فرقی میان جهات مختلف قرآن نمی‌گذاشتند؛ چنان‌که تعبیر «فأتوا» و «وَأَدْعُوا مَنِ اسْتَطَعْتُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ» شامل غیرفصیحان و بلیغان نیز می‌شود و تقیید آن به فصیحان و بلیغان تقیید بدون دلیل است. علاوه بر اینکه در میان مخاطبان کسانی بودند که اصلاً کلام عربی و فصاحت و بلاغت نمی‌دانستند.

د. علامه طباطبایی

طبق دیدگاه علامه، حقیقت قرآن به عنوان کتاب الهی، همان معانی و مقاصد آن است و مقصود از معانی و مقاصد قرآن، اغراضی است که خداوند متعال در وصف این کتاب آورده است، مانند: حکیم، نور، مبین، فرقان، هادی به حق و به طریق مستقیم، ذکر، حکم‌کننده میان مردم در اختلافات، شفا و رحمت برای مؤمنان.

در آیات تحدی از مخاطبان خواسته شده سخنی مانند قرآن بیاورند و چون قرآن در بیان مقاصد خویش دارای بلاغت لفظی خارق‌العاده‌ای است، آنچه می‌آورند باید هم در بیان مقاصد مانند قرآن باشد و هم دارای بلاغت لفظی خارق‌العاده (همان، ج ۱۰، ص ۱۶۷).

به گفته علامه، هریک از آیات تحدی، غرض خاصی را دنبال می‌کند. تحدی در آیه ۸۸ سوره اسراء، تحدی به تمام اغراض این کتاب است و غرض اختصاصی همه قرآن این است که هرچه را مردم تا روز قیامت احتیاج دارند دربر دارد. تحدی به قرآن، درخواست آوردن کتابی است که تمام معارف اصلی و اخلاق و احکام فرعی مورد نیاز انسان تا روز قیامت را در قالب بلاغت لفظی خارق‌العاده بیان کند.

تحدی به یک سوره (یونس: ۳۸)، تحدی به یک غرض تام و جامع از اغراض الهی است؛ یعنی

سوره‌ای بیاورید که یک غرض تام و جامع از اغراض الهی را با بیانی قاطع و بدون هیچ‌گونه سستی بیان کند، زیرا خداوند تعدادی از آیات را سوره نمی‌نامد مگر اینکه آیات یادشده مشتمل بر یک غرض از اغراض الهی باشد و همین غرض موجب تمایز این آیات از آیات دیگر شود.

علامه معتقد است در تحدی به ده سوره (هود: ۱۳) عدد ده بر کثرت دلالت دارد و مقصود از آن، تنوع در اغراض از جهت کثرت است. بنابراین، تحدی به ده سوره، تحدی به مقاصد و اغراض گوناگون و متنوع است.

راز تحدی به ده سوره پس از تحدی به یک سوره این است که وقتی انسان از آوردن یک سوره عاجز شد ممکن است به فکرش خطور کند که عجز وی به دلیل وجود ویژگی‌هایی است که یک سوره به صورت اتفاقی دارا شده است و ناتوانی از آوردن یک سوره، دلیل از سوی خدا بودن قرآن نیست؛ از این رو تحدی به ده سوره نمود تا بیان کند احتمال تصادفی بودن وجود ویژگی‌ها در ده سوره امکان‌پذیر نیست. بنابراین ناتوانی از آوردن ده سوره، دلیل اعجاز قرآن است (همان، ج ۱۰، ص ۱۶۲-۱۶۸).

در نظر علامه تحدی به حدیث در آیه ۳۴ سوره طور، تحدی عامی است که شامل تحدی به تمام قرآن، یک سوره و ده سوره می‌شود؛ از این رو تحدی به حدیث، تحدی به مطلق ویژگی‌های قرآن است (همان، ص ۱۶۹).

نقد و بررسی

سخن علامه گرچه می‌تواند اصل تحدی به کم و زیاد را توجیه کند، تحدی به ده سوره پس از تحدی به یک سوره را که مخالف ترتیب طبیعی به نظر می‌رسد، نمی‌تواند توجیه کند؛ زیرا پس از هم‌آوردخواهی سوره‌ای که یک غرض تام و جامع از اغراض الهی را در قالب اعجاز بلاغی بیان می‌کند، تحدی به ده سوره‌ای که دارای اغراض متعدد و متنوع و دارای تفنن در بیان است، تحدی از آسان‌تر به سخت‌تر است. کسی که از آوردن یک سوره با ویژگی یادشده ناتوان باشد، به طریق اولی از آوردن ده سوره با آن ویژگی ناتوان خواهد بود و اختلاف اغراض آیات تحدی نمی‌تواند ترتیب و نظم طبیعی برای آیات درست کند (فاضل لنکرانی، ۱۳۹۶، ص ۳۷-۳۸).

استاد مصباح این نقد را وارد ندانسته و بیان مرحوم علامه را صرفاً درصدد توجیه صحت تحدی به ده سوره پس از تحدی به یک سوره دانسته است (مصباح یزدی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۱۸۱). ولی با توجه به نقل سخنان قرآن‌پژوهان در اثبات نظم طبیعی تحدی‌ها «از دشوارتر به آسان‌تر» و نقد آن توسط علامه به نظر می‌رسد که ایشان نیز در مقام اثبات نظم طبیعی میان تحدی‌هاست نه درصدد توجیه اصل

تحدی به یک سوره و ده سوره؛ زیرا چنین توجیهی در سخنان برخی دانشمندان مانند شیخ طبرسی نیز وجود داشت که علامه آن را نقد کرد و نپذیرفت (طباطبایی، ۱۳۹۷، ج ۱۰، ص ۱۶۴).

ه. فاضل لنکرانی

دیدگاه مرحوم فاضل با سخن آلوسی مشابهت دارد. به باور ایشان در مرحله اول (اسراء: ۸۸) تحدی به مثل قرآن تعلق گرفته است و اعلام می‌دارد که قرآن از نظر لفظ و معنا دارای ویژگی و مزایایی است که اگر تمام انس و جن جمع شوند در مقابل آن ناتوان شده، چاره‌ای جز اعتراف به عجز خویش نخواهند داشت. در مرحله دوم (یونس: ۳۸) از بشر می‌خواهد سوره‌ای بیاورد که از نظر لفظ و معنا همانند قرآن باشد و در مرحله سوم (هود: ۱۳) به ده سوره همانند سوره قرآن تحدی نموده است؛ البته با این توضیح که عدد ده بر کثرت دلالت دارد (فاضل لنکرانی، ۱۳۹۶، ص ۳۳-۳۴).

به گفته ایشان، آنچه نظم طبیعی تحدی از دشوارتر به آسان‌تر را تصحیح می‌کند، قید «مفتریات» در آیه اخیر است؛ زیرا این قید نشان می‌دهد که در این آیه به معنا و محتوای قرآن تحدی نشده است، بلکه تنها بر اعجاز قرآن از نظر نظم و اسلوب تکیه شده و آوردن الفاظ قرآن با نظم و اسلوب خاص - حتی اگر معنای باطل و غیرمطابق با واقع نیز داشته باشد - ناممکن شمرده شده است. از این رو در آیه یادشده تخفیف دیده می‌شود؛ زیرا تفنن در الفاظ و نظم قرآن بدون در نظر گرفتن محتوای مطابق با واقع، آسان‌تر از آوردن الفاظ و نظم همراه با محتوا است (همان، ص ۳۸).

نقد و بررسی

علاوه بر وارد بودن نقدهایی که بر سخن آلوسی وارد ساختیم، نقد دیگری که بر سخن مرحوم فاضل وارد می‌شود این است که گرچه طبق توجیه ایشان از آیه، نوعی تخفیف در آن دیده می‌شود و سیر تحدی از دشوار به آسان معنا می‌یابد، از جهت دیگر سیر از آسان به دشوار خواهد بود؛ زیرا در آیه سوره یونس به یک سوره تحدی شده است ولی در این آیه بنا به عقیده ایشان به ده سوره و تنوع و تفنن در عبارت تحدی شده است.

و. دیدگاه استاد مصباح یزدی

استاد مصباح، ضمن پذیرش ترتیب نزول یادشده از آیات تحدی - تحدی به قرآن (اسراء: ۸۸)، تحدی به یک سوره (یونس: ۳۸) و تحدی به ده سوره (هود: ۱۳) - سیر آیات را از دشوارتر به آسان‌تر می‌داند و با بیان چند دلیل آن را به اثبات می‌رساند.

چنان‌که پیش از این گفتیم، در نظر ایشان، احتمال اینکه تحدی به «قرآن» در آیه ۸۸ سوره اسراء، تحدی به مقدار سوره‌ها (کل قرآن) نباشد بلکه تحدی به جنس قرآن (خواندنی) باشد به صورت جدی مطرح است؛ زیرا اولاً واژه قرآن به تدریج برای قرآن جنبه علمیت پیدا کرده و معلوم نیست در زمان نزول آیه اسراء، واژه «قرآن» علم بوده باشد؛ ثانیاً تا زمان نزول سوره اسراء تنها پنجاه سوره نازل شده بود و اگر آیه درصدد بیان مقدار باشد، تنها پنجاه سوره را دربر می‌گیرد (مصباح یزدی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۱۶۸ و ۱۹۵).

استاد با فرض پذیرش تحدی به کل قرآن در آیه یادشده، سیر تحدی از دشوار به آسان را این‌گونه طرح می‌کنند که «آیات تحدی در مرحله اول از بشر می‌خواهد که اگر در خدایی بودن قرآن تردید دارند، کتابی "همانند قرآن که دارای همه امتیازات قرآن باشد"، بیاورند و پس از آنکه عجزشان ثابت شد، تخفیف داده، می‌فرماید: یک سوره که "از هر جهت شبیه سوره‌های قرآنی باشد و همه امتیازات یکی از سوره‌های قرآن را دربر داشته باشد"، بیاورند و پس از آنکه از چنین امری نیز عاجز شدند، تخفیف داده، از ایشان می‌خواهد که ده سوره بسازند که "هر کدام دارای یکی از جهات اعجاز قرآن باشد"، به طوری که مجموع آن ده سوره بتواند ویژگی‌های یکی از سوره‌های قرآن را دارا باشد. بدیهی است که ساختن یک سوره شبیه یکی از سوره‌های قرآن در همه جهات، مشکل‌تر از فراهم آوردن چند سوره است که هر یک در یک جهت شبیه سوره‌ای از قرآن باشد؛ پس تحدی از دشوارتر به آسان‌تر صورت گرفته و معقول است» (همان، ج ۱، ص ۱۶۹).

دلیل‌های استاد مصباح

دلیل اول: سازگاری با ذیل آیات تحدی

چنان‌که پیش از این گفته شد، طبق نظر برخی محققان (آلوسی و مرحوم فاضل لنکرانی)، در آیه شریفه تنها بر اعجاز قرآن از نظر نظم و اسلوب تحدی شده و به معنا و محتوای قرآن تحدی نشده است. این سخن با ذیل آیه شریفه که دلیل این ناتوانی را نشئت گرفتن قرآن از علم خدا دانسته ناسازگار است، ولی اشکال یادشده، بر بیان استاد مصباح وارد نیست؛ زیرا ایشان تحدی به ده سوره را درخواست آوردن ده سوره‌ای می‌دانند که هر یک دارای یکی از جهات اعجاز قرآن باشد و مجموع آن ده سوره (روی هم رفته) همانند یکی از سوره‌های قرآن باشد و تمام ویژگی‌های یک سوره قرآن (نظم، اسلوب و محتوا) را دارا باشد.

ایشان در این زمینه می‌نویسند: «این بیان با ذیل آیات تحدی به یک سوره و ده سوره که عدم

توانایی بشر را به نشئت گرفتن قرآن از علم الهی و عدم اطلاع بشر از آن ربط می‌دهد، کاملاً سازگار است؛ زیرا عدم توانایی بر آوردن یک سوره که کاملاً شبیه قرآن باشد و نیز ده سوره که روی هم رفته به منزله یک سوره قرآن باشد، هر دو دلالت دارد که سوره‌های قرآن از پشتوانه علمی بی‌نهایت برخوردارند و آن علم در اختیار انسان‌های دیگر قرار نگرفته و خدا آنان را از علم غیب خویش آگاه نساخته است» (همان).

دلیل دوم: سازگاری با نسبت افترا به تمام سوره‌های قرآن

چنان‌که پیش از این گفتیم، رشیدرضا با توجه به صدر آیه که با «ام یقولون افتراه» آغاز شده است و با این ادعا که افترا به اخبار (نه انشا) تعلق دارد، تحدی در آیه شریفه را بر ده سوره قصصی قرآن حمل نمود. بر سخن ایشان این اشکال وارد بود که مشرکان همه قرآن را افترا می‌دانستند و فرقی میان اخبار و انشای قرآن نمی‌گذاشتند، ولی بیان استاد مصباح با نسبت افترا به تمام سوره‌های قرآن سازگار است؛ زیرا ایشان تحدی به ده سوره را قابل حمل بر هر ده سوره از قرآن می‌دانند و این بیان با عمومیت افترا نسبت به کل سوره‌های قرآن که ظاهر آیات شریفه است، تناسب دارد (همان).

دلیل سوم: متناسب با توصیف «عشر سور» به «مثله»

متخصصان در زمینه اعراب القرآن در ترکیب فقره «فَأْتُوا بِعَشْرِ سُورٍ مِثْلَهُ» از آیه شریفه گفته‌اند: «عشر» مضاف و «سور» مضاف‌الیه عشر و تمیز آن و «مثله» صفت برای عشر است و ضمیر «مثله» به قرآن برمی‌گردد (درویش، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۳۲۳؛ دعاس، ۱۴۲۵، ج ۲، ص ۵۰). معنای آیه این‌چنین است: «پس ده سوره همانند قرآن بیاورید». با توجه به قانون مطابقت صفت و موصوف در مفرد، تشبیه و جمع که مورد اتفاق نحویان است این سؤال مطرح می‌شود که چرا «مثله» به صورت مفرد آمده و با «عشر سور» که جمع است مطابقت نکرده است؟

قرآن‌پژوهان جواب‌های گوناگونی به این پرسش داده‌اند که عبارت‌اند از:

الف. هرگاه واژه «مثل» در صیغه مفرد، وصف تشبیه یا جمع قرار بگیرد به معنای «مثلین» و «امثال» است و در آیه شریفه «بعشر سور مثله» به معنای «امثاله» است؛ یعنی هر یک از ده سوره مشابه قرآن باشد (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۸۳؛ طبرسی، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۱۳۸؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۷، ص ۳۲۵؛ بروسوی، ۱۴۰۵، ج ۴، ص ۱۰۷؛ ابوحیان اندلسی، ۱۴۲۰، ج ۶، ص ۱۳۰).

ب. آیه شریفه به تقدیر «کل واحد منها» است؛ یعنی هر یک از ده سوره مشابه قرآن باشد (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۶، ص ۲۲۲).

ج. «مثله» وصف برای مضاف مقدر است؛ یعنی «بقدر عشر سور مثله مفتريات» (آلوسی، همان).

د. واژه «عشر» از صیغه‌های جمع نیست، بلکه حکم مفرد را دارد. از این‌رو وصف آن نیز مفرد آمده است، مانند «كَانَهُمْ أَعْجَازٌ نَحَلٌ مُنْفَعِرٌ» (قمر: ۲۰) که در این آیه واژه «نخل» جمع نخله است ولی چون حکم مفرد دارد صفت آن «مُنْفَعِرٌ» به صیغه مفرد آمده است (همان).

ه. واژه «مثل» گرچه مفرد است به این دلیل که در اصل مصدر بوده است می‌توان با آن مفرد و جمع هر دو را وصف کرد و مطابقت و عدم آن جایز است و در برخی کاربردهای قرآنی مطابقت دیده می‌شود، مانند «وَحُورٌ عِينٌ كَأَمْثَالِ اللُّؤْلُؤِ الْمَكْنُونِ» (واقعہ: ۲۲-۲۳) که واژه «امثال» صفت «حور» (جمع احور) آمده است و مانند «ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَالِكُمْ» (محمد: ۳۸) و گاهی مطابقت نمی‌کند مانند «فَقَالُوا أَتُؤْمِنُ لِبَشَرَيْنِ مِثْلًا» (مؤمنون: ۴۷) که واژه «مثل» صفت «بشرین» بوده ولی مفرد آمده است (آلوسی، همان؛ درویش، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۳۲۳؛ ابوحيان اندلسی، ۱۴۲۰، ج ۶، ص ۱۳۰).

توجیهاات یادشده بجز دو مورد اخير خلاف ظاهر آیه است و در صورتی می‌توان آیه را برخلاف ظاهر حمل کرد که قرینه‌ای در آیه بر آن یافت شود، درحالی‌که در آیه شریفه قرینه حمل برخلاف ظاهر وجود ندارد؛ با این توضیح که توجیه اول تصرف در معنای مثل و حمل آن بر امثال است بدون اینکه قرینه‌ای بر چنین حملی وجود داشته باشد و در توجیه دوم و سوم کلمه یا کلماتی در تقدیر گرفته شده و اصل بر عدم تقدیر است. در توجیه چهارم نیز گرچه این سخن درستی است که عشر صیغه جمع نیست و در وصف آن مفرد و جمع هر دو صحیح است، با توجه به تمیز آن (سُور) که جمع است معلوم می‌شود که از «عشر» جمع اراده شده است و وصف آن به مفرد اگر توجیه معقولی نداشته باشد صحیح نیست. اما در توجیه پنجم که بیان می‌کند در مثل، مطابقت و عدم مطابقت هر دو درست است، با توجه به اعجاز قرآن و حکیم بودن خداوند و خصوصاً با توجه به این نکته که برای «عشر سور» دو وصف در آیه دیده می‌شود «مثله» و «مفتريات» اولی به صورت مفرد و دومی در صیغه جمع آمده است، این سؤال باقی است که سرّ مفرد به کار رفتن مثل چیست؟

استاد مصباح در این زمینه می‌نویسد: «سرّ کاربرد آن به صورت مفرد در آیه ۱۳ سوره هود طبق وجه مورد نظر ما این است که مقصود آیه این بوده که ده سوره ساخته فکر بشر، به منزله یک سوره قرآن باشد. پس مناسب، بلکه تنها تعبیر درست آن است که کلمه مثل به صورت مفرد آورده شود تا به این نکته اشاره کند که ضرورت ندارد ده سوره، هریک شبیه یک سوره قرآن باشد، بلکه کافی است همه آنها شبیه یک سوره قرآن باشند» (مصباح یزدی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۱۷۰).

دلیل چهارم: متناسب با توصیف «عشر سور» به مفتريات

صفت دومی که آیه شریفه در وصف «عشر سور» ذکر کرده واژه «مفتريات» است (طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۱۳۸؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۸۳). پرسشی که در این مورد جای تأمل دارد این است که چرا در آیه یادشده (هود: ۱۳) برخلاف دیگر آیات تحدی از بشر می‌خواهد سوره «مفتري» بیاورد و در هیچ‌یک از آیات تحدی، چنین درخواستی وجود ندارد؟

پاسخ متعارفی که به این پرسش داده شده این است که چون در ابتدای آیه ادعای مشرکان در افترا بودن قرآن طرح شده است، آیه در جواب آنان و موافق ادعای آنان اعلام می‌دارد که اگر راست می‌گویند قرآن افتراست، شما هم ده سوره از این افتراها بیاورید (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۸۳؛ بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۳، ص ۱۳۰؛ طبرسی، ۱۳۷۹، ج ۵، ص ۲۲؛ فیض کاشانی، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۳۶).

این پاسخ در صورتی درست است که از میان آیات تحدی، تنها در همین آیه ادعای افترا بودن قرآن وجود داشته باشد، درحالی‌که چنین نیست و در تحدی به یک سوره در آیه ۳۸ سوره یونس مشابه این تعبیر دیده می‌شود: «أَمْ يَقُولُونَ افْتِرَاءٌ» و آیه دیگر تحدی سوره طور آیه ۳۳ با تعبیر «أَمْ يَقُولُونَ تَقْوَلَهُ» آغاز شده که بر پایه آن، مشرکان ادعا می‌کنند پیامبر ﷺ قرآن را برافته و به خداوند افترا زده است.

وجه جمع آمدن مفتريات با بیان استاد مصباح در راز تحدی‌های گوناگون سازگار است؛ زیرا طبق بیان ایشان در آیه سوره هود نوعی تخفیف نسبت به آیه سوره یونس دیده می‌شود. درخواست آیه هود از بشر این است که ده سوره بیاورد که هریک دارای یکی از جهات اعجاز قرآن باشد. بنابراین هریک از سوره‌های بشرساخت مانند قرآن نباشد بلکه افترا بی باشد، ولی در مجموع همانند یک سوره قرآن باشد. ایشان در این باره می‌نویسد:

[طبق بیان ما] جمع آوردن کلمه مفتريات و نیز توصیف سوره‌های ده‌گانه به مفتريات نیز تبیین مناسبی می‌یابد؛ زیرا آنچه آورده می‌شود، هریک سوره‌ای افترا بی است و در نتیجه مفتريات هستند؛ نه آنکه روی هم‌رفته یک امر مفتري باشند.

اما وجه توصیف سُور درخواستی به «مفتريات» که جز در این مورد در هیچ‌یک از آیات تحدی نیامده، طبق این توجیه آن است که سوره‌های ده‌گانه‌ای که آورده می‌شود، چون هریک در یک بُعد مانند قرآن است، پس در واقع مانند قرآن نیستند. به عبارت دیگر، هریک از سُور قرآن در چند بُعد برجستگی‌ها و ویژگی‌هایی دارد؛ ولی ده سوره بشرساخته، هیچ‌یک، کل ویژگی‌های یک سوره قرآن را ندارد؛ بنابراین نمی‌توان گفت: هریک از سُور انسان‌ساخته، همانند قرآن است و اگر قرآن سخن

خداست، پس این سوره‌ها هم سخن خداست؛ بلکه باید گفت: چون هیچ‌یک همانند سُورِ قرآن نیست، پس هریک «مفتری» است. گویا قرآن مجید در مرحله بسیار خفیف تحدی می‌فرماید: شما که از همانندآوری یک سوره هم ناتوان هستید، حال چیزی مادون قرآن بیاورید و آن اینکه ده سوره بشرساخته بیاورید که هرچند هیچ‌یک عدل قرآن نیست و با قرآن هم‌اوردی ندارد، ولی روی هم‌رفته شبیه یک سوره قرآن باشد (مصباح یزدی، ۱۳۸۷ ج ۱، ص ۱۷۱).

نتیجه‌گیری

براساس روایات ترتیب نزول سور، ابتدا سوره اسراء (تحدی به قرآن)، سپس سوره یونس (تحدی به یک سوره) و پس از آن سوره هود (تحدی به ده سوره) نازل شده است.

سه دیدگاه عمده در باب راز نزول گونه‌های تحدی وجود دارد که عبارت‌اند از: ۱. تحدی به نوع قرآن؛ ۲. اختلاف مخاطبان تحدی‌ها یا زمان آنها؛ ۳. تحدی از دشوارتر به آسان‌تر. دیدگاه نخست به دلیل تبیین نکردن سیر طبیعی و منطقی دعوت به مبارزه‌طلبی - که باید از دشوارتر به آسان‌تر باشد - پذیرفته نیست. دیدگاه دوم نیز علاوه بر فقدان دلیل، با ترتیب نزول میان آیات تحدی سازگاری ندارد. دیدگاه سوم به گونه‌های مختلفی تبیین شده است. برخی برای تبیین تحدی از دشوارتر به آسان‌تر قائل به تقدم نزول سوره هود بر سوره یونس شده‌اند. برخی نیز با حفظ ترتیب نزول میان سور، معتقد به تأخر نزول آیه ۳۸ یونس یا ابلاغ آن، بر سوره هود شدند که این دو دیدگاه به دلیل عدم همراهی با روایات ترتیب نزول و فقدان دلیل بر آن پذیرفتنی نیست. برخی محققان در توجیه تحدی از دشوارتر به آسان‌تر تحدی در سوره هود را تحدی به نظم و اسلوب حمل کرده‌اند. این نظر با سیاق آیه که دلیل ناتوانی بشر را نشئت گرفتن قرآن از علم خدا دانسته است، سازگاری ندارد. شماری نیز تحدی به ده سوره را بر ده سوره معین قصصی حمل کرده‌اند که این نیز با نسبت افترا به تمام سوره‌های قرآن (مدعای مشرکان) سازگاری ندارد.

استاد مصباح تحدی به قرآن را تحدی به همه امتیازات قرآن و تحدی به یک سوره را تحدی به تمام امتیازات یک سوره قرآن دانسته است و تحدی به ده سوره را تحدی به ده سوره‌ای می‌داند که هریک دارای یکی از جهات اعجاز قرآن باشد، ولی در مجموع ویژگی‌های یکی از سوره‌های قرآن را دارا باشد. در این دیدگاه علاوه بر سازگاری با ترتیب نزول سور و آیات تحدی، تحدی از دشوارتر به آسان‌تر محقق شده است و نیز با ذیل آیات تحدی و با نسبت افترا به تمام سوره‌های قرآن سازگار است و همچنین با توصیف «عشر سور» به «مثله» و به «مفتريات» متناسب است.

پی‌نوشت‌ها

۱. برخی قراین اجتهادی شناخت آیات و سوره‌های مکی، در مدنی نیز یافت می‌شود. برای مثال، خطاب «یا ایها الناس» که ویژگی سور مکی عنوان شده است در بقره: ۱۶۸ و نساء: ۱ نیز که مدنی هستند دیده می‌شود و خطاب «یا ایها الذین آمنوا» که ویژگی سور مدنی دانسته شده با حج: ۷۷ که مکی است نقض می‌شود.
۲. زرکشی برخلاف روایات دیگر، سوره توبه را پیش از مانده ذکر می‌کند (زرکشی، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۲۴۹). طبق یک روایت از ابن عباس سوره ضحی پیش از سوره مزمل و سومین سوره قرار داده شده است (ابن عطیه، ۱۳۹۲، ص ۸) و طبق نقل دیگر از ایشان سوره ضحی سوره دهم و پس از سوره فجر نازل شده است (همان، ص ۱۱).
۳. سوره مطففین در روایت بیهقی (سیوطی، بی تا، ج ۱، ص ۴۰) و شیخ طبرسی (۱۳۷۹، ج ۱۰، ص ۶۱۳) نخستین سوره نازل شده در مدینه دانسته شده و در روایت جابر بن زید آخرین سوره نازل شده در مکه دانسته شده است (سیوطی، بی تا، ج ۱، ص ۹۶).
۴. زرکشی پس از نقل ترتیب نزول می‌نویسد: «وعليه استقرت الروایة من الثقات» (زرکشی، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۲۴۹). علامه در کتاب قرآن در اسلام روایات را قابل اعتماد نمی‌داند (طباطبایی، ۱۳۷۹، ص ۱۱۰) ولی در ذیل آیه ۱۳ هود می‌نویسد: «سوره یونس قبل از سوره هود نازل شده است و احادیث مؤید این نکته است» و براساس آن، به نقد و بررسی دیدگاه‌ها در زمینه راز تحدی‌های گوناگون می‌پردازد (طباطبایی، ۱۳۹۷، ج ۱، ص ۱۶۳). محمدهادی معرفت جدولی براساس روایت ابن عباس تنظیم و با روایت جابر بن زید تکمیل نموده و آن را قابل اعتماد می‌داند (معرفت، ۱۳۷۵، ص ۵۷).
۵. البته رشیدرضا، اخبار قرآن را در چهار قسم بیان می‌کند. در سه قسم، اخبار آفرینش، اخبار غیبی دنیایی و اخبار غیبی آخرتی، به دلیل اینکه ده سوره مشخصی نمی‌توان یافت که شامل بر اخبار غیبی باشد که مشرکان نسبت افترا داده باشند، نسبت افترا مربوط به ده سوره قصص انبیا است که در ده سوره مشخص مطرح شده است (رشیدرضا، ۱۹۷۳م، ج ۱۲، ص ۳۴-۴۰).

منابع

- آلوسی، سید محمود، (۱۴۱۵ق) *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- ابن سلیمان، مقاتل، (۴۲۳ق) *تفسیر مقاتل*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ابن عاشور، محمد بن طاهر، [بی‌تا] *التحریر و التنویر*، بی‌جا.
- اندلسی، ابن عطیه، (۴۲۲ق) *المحرر الوجیز فی تفسیر الکتب العزیز*، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- ابن عطیه، عبدالحق، (۱۳۹۲ق) *مقدمتان فی علوم القرآن و هما مقدمه کتاب المبانی و مقدمه ابن عطیه*، با تصحیح آرتور جفری، مکتبه الخانجی.
- ابن منظور، جمال‌الدین محمد، (۴۱۴ق) *لسان العرب*، بیروت، دار صادر.
- ابن ندیم، محمد بن اسحاق، (۱۹۹۷م) *الفهرست*، بیروت، دار المعرفه.
- اندلسی، ابوحیان، (۴۲۰ق) *البحر المحیط فی التفسیر*، بیروت، دار الفکر.
- بغوی، حسین بن مسعود، (۲۰۰۲م) *معالم التنزیل فی التفسیر و التأویل*، بیروت، دار الفکر.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر، (۴۱۸ق) *أنوار التنزیل و أسرار التأویل*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- تفتازانی، سعدالدین، (۴۰۹ق) *شرح المقاصد*، قم، منشورات الشریف الرضی.
- جمعی از نویسندگان، (۱۳۸۸) *دائرةالمعارف قرآن کریم*، قم، بوستان کتاب.
- (۴۱۵ق) *شرح المصطلحات الکلامیه*، مشهد، آستان قدس رضوی.
- حقی بروسوی، اسماعیل، (۴۰۵ق) *تفسیر روح البیان*، چ هفتم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- حلی، حسن بن یوسف، (۴۱۶ق) *مناهی القین فی اصول الدین*، بی‌جا.
- خویی، سید ابوالقاسم، (۴۱۸ق) *البیان فی تفسیر القرآن*، چ سوم، قم، دار الثقلین.
- درویش، محیی‌الدین، (۴۱۵ق) *اعراب القرآن و بیانه*، چ چهارم، سوریه، دار الارشاد.
- دعاس - حمیدان - قاسم، (۴۲۵ق) *اعراب القرآن الکریم*، دمشق، دار المنیر و دار الفارابی.
- رشیدرضا، محمد، (۱۹۷۳م) *تفسیر القرآن الحکیم* (المنار)، چ دوم، بیروت، دار المعرفه.
- زرکشی، بدرالدین محمد بن عبدالله، (۴۰۸ق) *البرهان فی علوم القرآن*، بیروت، دار الفکر.
- زمخشری، محمود بن عمر، (۴۰۷ق) *الکشاف*، چ سوم، بیروت، دار الکتب العربی.
- سیوطی، جلال‌الدین، [بی‌تا] *الاتقان فی علوم القرآن*، بی‌جا، منشورات الشریف رضی.
- (۴۰۴ق) *در المثور فی تفسیر المأثور*، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
- شاذلی، سید بن قطب، (۴۱۲ق) *فی ظلال القرآن*، چ هفدهم، بیروت، دار الشروق.
- شهرستانی، محمد بن عبدالکریم، (۴۰۷ق) *مفاتیح الاسرار و مصابیح الابرار*، تهران، احیاء کتاب.
- طباطبایی، سید محمدحسین، (۱۳۷۹) *قرآن در اسلام*، چ نهم، تهران، دار الکتب الاسلامیه.

- (۱۳۹۷ق) *المیزان فی تفسیر القرآن*، چ سوم، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۹ق) *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- (۱۳۷۷) *جوامع الجامع*، تهران: دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم.
- طریحی، فخرالدین، (۱۹۸۵م) *مجمع البحرین*، بیروت، دار و مکتبه الهلال.
- عاملی، علی بن حسین، (۴۱۳ق) *الوجیز فی تفسیر القرآن العزیز*، قم، دار القرآن الکریم.
- علاءالدین بغدادی، علی بن محمد، (۴۱۵ق) *لباب التأویل فی معانی التنزیل*، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- فاضل لنکرانی، محمد، (۱۳۹۶ق) *مدخل التفسیر*، تهران.
- فخر رازی، محمد بن عمر، (۴۲۰ق) *مفاتیح الغیب*، چ سوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، (۴۱۴ق) *ترتیب کتاب العین*، قم، اسوه.
- فیض کاشانی، مولی محسن، [بی‌تا] *الصفای فی تفسیر کلام الله*، مشهد، دار المرتضی للنشر.
- فیومی، احمد بن محمد، (۴۱۴ق) *المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر*، چ دوم، قم، دار الهجرة.
- مجلسی، محمدباقر، (۳۷۶ق) *بحار الانوار*، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- مصباح یزدی، محمدتقی، (۱۳۸۷) *قرآن‌شناسی*، با تحقیق محمود رجبی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- معرفت، محمدهادی، (۱۳۷۵) *تاریخ قرآن*، تهران، سمت.
- (۴۱۱ق) *التمهید فی علوم القرآن*، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۶۶) *تفسیر نمونه*، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- موسوی سبزواری، سید عبدالاعلی، (۴۰۹ق) *مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن*، چ دوم، بیروت، مؤسسه اهل بیت علیهم السلام.